

15 میلیون ایرانی گرسنه گوشت دم توپ سپاه خواهند شد؟

به گزارش مطبوعات همایش خواهران بسیج در اصفهان با نام "فاطمیون" برگزار شد. در این همایش که تعداد شرکت کنندگان آن "30 هزار" تن اعلام شد فرمانده کل سپاه پاسداران گفت: "گسترش بسیج تا 15 میلیون نفر شامل 9 میلیون برادر و 6 میلیون خواهر جزو برنامه پنج ساله چهارم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است." فرمانده سپاه البته توضیح نداد که رقم 30 هزار در سرتاسر استان اصفهان به فرض آنکه درست باشد چگونه قرار است به شش میلیون تبدیل شود.

فرمانده کل سپاه همچنین با اشاره به تشکیل بسیج دانش آموزی و محلات اعلام کرد: شمار «بسیجیان فعال» به 4 میلیون و 250 هزار نفر خواهد رسید. همچنین «بسیج ویژه» به یکصد و 50 هزار نفر. همزمان با این طرح ها، توسعه 300 درصدی «بسیج نخبگان» و احداث یا تکمیل 2 هزار و 285 حوزه مقاومت بسیج نیز مورد توجه ویژه سپاه خواهد بود. فرمانده سپاه در مورد اینکه "بسیج ویژه" چیست و چه کار "ویژه ای" بعهد ان است توضیحی نداد. قبلا نیز ذوالقدر جانشین فرمانده سپاه از طرح تشکیل بسیج کارگری، اصناف و ادارات سخن گفته بود.

اعلام این طرح ها این پرسش را بوجود می آورد که با وجود آنکه هفده سال از پایان جنگ ایران و عراق سپری شده چرا فرماندهان سپاه اکنون به فکر تشکیل بسیج پانزده میلیونی افتاده اند؟ این پرسش خود پرسشی دیگر را طرح می کند که بفرض آن که فرماندهان سپاه به هر دلیل خواهان تشکیل بسیج پانزده میلیونی باشند با چه انگیزه و به چه دلیل پانزده میلیون تن از مردم ایران در بسیج عضو شوند؟

اینکه فرماندهان سپاه تصمیم به تشکیل بسیج پانزده میلیونی گرفته اند می تواند ناشی از دو دلیل باشد:

- 1 - یا اینکه فرماندهان سپاه قصد دارند کشور را به جنگ بکشانند و به همین دلیل احساس نیاز به تشکیل بسیج بقول خودشان پانزده میلیونی کرده اند.
- 2 - یا اینکه می خواهند بسیج را با الگو گرفتن از سازمان های نازی و فاشیست بعنوان حزب سراسری خود تشکیل دهند و بدینوسیله مخالفان خود را در صورت لزوم قلع و قمع کنند. بنظر می رسد که واقعیت ترکیبی از هر دو اینهاست. استراتژی نظامیان و فرماندهان سپاه از سال ها قبل آن بوده که قدرت واقعی را از دست سیاسیون اعم از روحانی و غیرروحانی خارج کنند و در دست خود بگیرند. کشاندن کشور به جنگ و تشکیل حزب شبه نظامی بسیج هر دو در خدمت این هدف و استراتژی است.

روشن است که فرماندهان سپاه بدلیل ممنوعیت نیروهای مسلح از عضویت در احزاب و بالطبع تشکیل احزاب ناگزیر شده اند که حزب کسب قدرت خود را زیر پوشش بسیج سازماندهی کنند.

اما این دلیل اصلی نیست. حتی اگر فرماندهان سپاه می توانستند حزب تشکیل دهند باز بدنبال تشکیلاتی مشابه "بسیج" می رفتند. يك حزب هر قدر هم غیردمکراتیک باشد دارای ساختاری مبتنی بر حدی از انتخاب و پاسخگویی است. بسیج اما يك حزب نظامی مبتنی بر اطاعت است. سلسله مراتب بسیج بر مبنای فرماندهی و فرمانبری است. اعضای بسیج حق پرسش و چون و چرا ندارند. آن ها تنها وظیفه اطاعت دارند. فرماندهان سپاه رهبر يك حزب نیستند که حساب و کتابی در کار باشد و برنامه ای داشته باشند و در برابر اعضا پاسخگو باشند. اعضای بسیج عضوی از يك سازمان نظامی و مطیع و فرمانبر هستند. علاقه شدید فرماندهان

سپاه به گسترش بسیج از اینجا ناشی می شود. آنان دنبال 15 میلیون گوش بفرمان بدون کمترین حق انتقاد و پرسشگری هستند، یعنی همان الگویی که در این سال ها در حول رهبری علی خامنه‌ای تلاش در ایجاد آن شده است. الگوی بسیجی که بر روی خاک افتاده و زانو می زند و سجده می کند الگوی مورد علاقه فرماندهان سپاه است و پانزده میلیون تن مردم ایران را اینگونه می خواهند.

از اینجا می رسیم به همان پرسش دوم یعنی: براساس کدام محاسبه فرماندهان سپاه تصور می کنند که نه چند ده یا چند صد تن بلکه پانزده میلیون تن از مردم کشوری که روزی ظاهراً برای آزادی و استقلال انقلاب کرده بودند اکنون بدون هیچ دلیلی تابع کورکورانه دستورها و اوامر فرماندهان سپاه می شوند؟ با توجه به اینکه بسیج حتی در شرایط جنگ ایران و عراق حداکثر دو میلیون و احتمالاً بسیار کمتر عضو داشت، این 15 میلیون تن به چه دلیل باید وارد بسیج شوند یا چه نفعی از عضویت در بسیج قرار است عاید آنان بشود؟ بنظر می رسد این رقم 15 میلیون تن تخمین فرماندهان سپاه از **تعداد گرسنگان** کشور است و تصور می کنند این عده برای سیرکردن شکم خود حاضر به پذیرفتن هر نوع اجبار و خودفروشی و اطاعت هستند و بنابراین آنان می توانند با کانالیزه کردن امتیازهایی ناچیز این بخش از جامعه را به سوی حزب بسیج خود جمع کنند. صحبت هایی که راجع به تقسیم نفت یا سهام یا وام ازدواج و غیره می شود همه برای جذب این بخش از جامعه است که دولت احمدی نژاد مکلف است الویت آن را بعدها مربوط به اعضای حزب بسیج کند. بنظر فرماندهان سپاه این بسیج آنوقت در خدمت فاشیسم بسود سیاست های آنان عمل خواهد کرد.

بدینسان از درون سیاست فروردن کشور به جنگ در عرصه خارجی بالطبع ضرورت استقرار فاشیسم در عرصه داخلی پدید می آید. و برعکس برای آن که بشود کشور را به جنگ کشاند باید فضا را در داخل بست و مهار کرد. این دو سیاست لازم و ملزوم یکدیگرند. طرح بسیج پانزده میلیونی، صرفنظر از میزان عملی بودن آن، حلقه رابط این دو سیاست است.